



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطر
جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

مسئولیت مدنی دولت در قبال اطاله دادرسی

Abolfath Khaleghi

Associate Professor of Criminal Law and Criminology,
Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

ابوالفتح خالقی

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
ab-khaleghi@qom.ac.ir

Fatemeh Khodabandeh

Master's student in Criminal Law and Criminology, Faculty
of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding
Author)

فاطمه خداوند

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه
قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
fatemeh.khodabandeh1358@gmail.com

Abstract

In Iranian law, the civil responsibility of the government in judicial actions was foreseen in Article 171 of the Constitution of 1358, which can be referred to as the general rule of civil responsibility of the government in damages caused by judicial actions. One of the duties of the government is to provide judicial services at a reasonable speed. The delay of proceedings is considered one of their chronic problems in governance. Procrastination of the proceedings has harmful effects on litigants and its direct damage is directed at them. The reasons for the delay of the proceedings are the government's carelessness in the administration of judicial affairs and judicial mistakes and errors in the process of the proceedings, according to the change in the basis of the government's responsibility and the replacement of the principle of the government's responsibility instead of the principle of immunity, the government can be held responsible for any losses caused by the delay of the proceedings. Factors for reducing the delay of criminal proceedings in the new criminal procedure law, using the experiences of advanced countries including the development of electronic judicial services, creating the necessary infrastructure and of course being required to comply with these principles in the practical field can reduce delays. Criminal proceedings are very effective. Now the question is, in cases of damage to individuals by the government, the principle is to compensate for the damage is Do the existing laws provide the rights of individuals?

Keywords: Civil Liability of the Government, Judicial Actions, Delaying Proceedings, Losses, Damages.

چکیده

در حقوق ایران مسئولیت مدنی دولت در اعمال قضایی در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده که می‌توان از آن به عنوان قاعده عام مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از اعمال قضایی نام برد. در حقوق اسلامی قاعده لاضرر و در حقوق اروپایی اصل برابری افراد در مقابل هزینه‌های عمومی از اصول مهم در تحقق مسئولیت مدنی دولت به صورت گسترده می‌باشند. یکی از وظایف دولت، خدمات قضایی با سرعت معقول است. بسیاری از دولت‌ها در تأمین این نیاز شهروندان موفق نیستند و به همین علت اطاله دادرسی یکی از مشکلات مزمن آن‌ها در حکمرانی محسوب می‌شود. اطاله دادرسی آثار زیانباری برای اصحاب دعوا دارد و ضرر مستقیم آن متوجه آن‌ها می‌شود. از علل اطاله دادرسی بی‌تدبیری دولت در اداره امور قضایی، اشتباه و خطاهای قضایی در فرآیند دادرسی است. با توجه به تغییر مبانی مسئولیت دولت و جایگزین شدن اصل مسئولیت دولت به جای اصل مصونیت، می‌توان دولت را مسئول بسیاری از ضررهای ناشی از اطاله دادرسی دانست. شناسایی دقیق عوامل کاهش اطاله دادرسی کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته از جمله توسعه خدمات الکترونیک قضایی، ایجاد زیرساخت‌های لازم و ملزم بودن به رعایت این اصول در حوزه عملی، می‌تواند در کاهش اطاله دادرسی کیفری تأثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی دولت، اعمال قضایی، اطاله دادرسی، ضرروزیان، خسارت.

ارجاع:

خالقی، ابوالفتح؛ خدابنده، فاطمه؛ (۱۴۰۳)، مسئولیت مدنی دولت در قبال اطاله دادرسی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

با توجه به توسعه روزافزون مسئولیت مدنی دولت در زمینه‌های مختلف از جمله اصولی که در رسیدگی‌های قضایی باید مورد توجه قرار گیرد، اصل رسیدگی در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. با این حال، باید با عواملی که سعی در ایجاد این تاخیر و اطاله دادرسی است، مقابله حقوقی کرد. تاخیر رسیدگی زمانی اتفاق می‌افتد که در جلسه مذکور، دادگاه به رغم آماده شدن جلسه به دلایلی نتواند دستور جلسه را تا حدی دنبال کند و یا به آن رسیدگی کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد یکی از علل و عوامل تعلل به دولت و کارمندان مربوطه دولت (قاضی یا کارمند) نسبت داده می‌شود. از آنجایی که قاضی دارای جایگاه ویژه قضایی است از مسئولیت مدنی مصون نیست و اقتدار و حیثیت وی نباید او را از جبران خسارت اعمال نابخردانه خود معاف کند. همچنین برای اثبات تقصیر قاضی در اطاله دادرسی، قاضی، قاضی عادی است و در صورت اثبات تقصیر وی ادعای خسارت ناشی از اطاله دادرسی علیه وی مسموع است.

نکته مهم این است که با توجه به وضعیت فعلی نظام حقوقی کشورمان سازوکارهای موجود برای جبران حقوق قربانیان تاخیر، کافی نیست. با توجه به توسعه روزافزون مسئولیت مدنی دولت در زمینه‌های مختلف، بازنگری جدی در احیای این حق شهروندی یعنی خدمات قضایی باید با سرعت معقول مورد توجه قرار گیرد. بنابراین راه‌های جبران خسارت را می‌توان به دو حالت ممکن پیش از ختم دادرسی معترض و بعد از ختم دادرسی معیوب تقسیم کرد و روش دعوی، مسئولیتی در قبال خسارات ناشی از

اطاله دادرسی که یک رسیدگی قضایی صرف است، ندارد. بنابراین، تعیین مرجع شبه قضایی خارج از قوه قضائیه مرکب از اعضای سه قوه در بالاترین رده به همراه تأمین وجوه جبرانی ویژه یا پرداخت خسارت از طریق بیمه شغلی قضات، تضمین بهتری برای جبران خسارت آسیب دیدگان این پدیده در رسیدگی است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱).

امروزه مفهوم عدالت پیچیده‌تر شده است و عناصر گوناگون در مفهوم جدید اثر گذاشته‌اند. یکی از عناصر مهم قید زمان است. به همین دلیل است که ایفای تعهد با تأخیر، نوعی تضییع حق و بی‌عدالتی قلمداد می‌شود و نیز گفته می‌شود دادرس عادل کسی نیست که فقط طبق مقررات ماهوی فصل خصومت کند و دادرسی عادلانه این نیست که فقط کشف حقیقت یا فصل خصومت کنند. سرعت و سادگی از ارکان یک دادرسی عادلانه محسوب می‌شوند. مهم این است که در کمترین زمان به هدف دست یابد.

علل اطاله دادرسی متنوع هستند ولی به طور کلی می‌توان ریشه آن را به شخص یا قانون منتسب کرد. در بین علل منتسب به شخص، نقش دادرس به‌عنوان مامور دولت در سرعت یا اطاله در دادرسی دوچندان است. بازیگر اصلی در دادرسی، دادرس است. اقدامات اطاله زای دادرس، گاه عالمانه است و گاه جاهلانه و نتیجه این رفتارها تضییع حقوق اصحاب دعوا به طور مستقیم و بدینی شهروندان به دستگاه قضایی، فرار سرمایه، افزایش جرایم، انصراف از دادخواهی توسط خواهان، قبول راه‌حل‌های ناعادلانه توسط طرف ضعیف در دادرسی و... به طور غیرمستقیم می‌باشد (Slapper, 2006, 137). ضررهای مستقیم اطاله دادرسی به اصحاب دعوا ممکن است به صورت ضرر مادی، ضرر معنوی، عدم النفع یا فوت فرصت باشد. اگر گفته شود یکی از عوامل افزایش خودکشی اصحاب دعوا خصوصاً در دعاوی خانوادگی اطاله دادرسی ناشی از عمل دادرس است، سخن به گزافی نیست. اگر چه اثبات آن دشوار است (خانلری، ۱۴۰۱، ۳).

اطاله دادرسی مفهومی پیچیده‌تر از مفاهیم حقوقی دارد، چرا که در حدوث آن عوامل مختلف دخالت دارند و معیار ثابتی برای اندازه ندارد. واری داف و ادعا در صرف زمان است. مسئولیت مدنی دولت جزئی از نظام مسئولیت مدنی حقوق عمومی محسوب می‌شود؛ با این توضیح که در آن عامل زیان یا حداقل مسئول پرداخت غرامت دولت است. مسئولیت مدنی دولت نیز همان ویژگی نابرابری را دارا است. به عبارت دیگر، در حوزه مسئولیت مدنی دولت قانونگذار ممکن است هریک از مراجع عمومی با توجه به برتری منافع جمعی بر حقوق فردی و با توجه به اهمیت مرجع و سایر ملاحظات، رویکرد متفاوتی اتخاذ کند و نظام حقوقی ویژه‌ای ایجاد کند؛ به این معنی که آن مرجع را مصون یا مسئول قرار دهد یا نوع

زیان‌های قابل مطالبه از آن مرجع را محدود یا فرض قانونی را بر تقصیر یا عدم تقصیر آن مرجع قرار بدهد. مسئولیت مدنی دولت در قرن گذشته بر مبنای نظریه دولت و بر مفهوم تقصیر تکیه داشت و صرفاً زیان‌هایی را که در اثر تقصیر مراجع عمومی به وجود آمده بود، آن هم در موارد خاص اعمال تصدی جبران می‌کرد. ولی با گذشت زمان، مبنای جدیدی برای مسئولیت مدنی دولت شکل گرفت و باعث تحول آن گردید و در اثر این تحول، مسئولیت دولت در برخی اعمال حاکمیتی از جمله اعمال قضایی پذیرفته شد (نیرآبادی، ۱۳۹۸، ۲).

در این میان بعضی فقهای اسلامی و حقوقدانان عقیده دارند که تمامی خسارت‌های وارده به اشخاص از طرف دولت قابل جبران نیست، در حالی که عده‌ای دیگر برعکس آن نظر داده و کلیه خسارات را قابل جبران می‌دانند. این تعارض عقاید منجر به ابهام در تکلیف دولت به جبران خسارت گشته است. در حقوق خصوصی لزوم جبران خسارتی که برخلاف حق دیگری وارد آمده یکی از قواعد مسلم حقوقی است که در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و این گرایش جدید با قاعده فقهی لاضرر که در حقوق اسلامی بسیار مورد استفاده است، هماهنگی کامل دارد. لیکن ابهام و بحث در مورد حقوق عمومی و دولت همچنان باقی است. لذا به جهت نظریات متفاوتی که در این زمینه وجود دارد و خلاءهای قانونی موجود، ضرورت دارد که با انجام پژوهشی همه جانبه به ارائه طریقی پرداخت که حقوق شهروندان تأمین و تضمین گردد. زیرا که تألیفات موجود در این زمینه غالباً به بیان موارد مسئولیت مدنی دولت و رویه‌های موجود پرداخته و خالی از ارائه طریقی راهبردی هستند.

از آن جا که لزوم جبران زیان و مهم‌تر از آن جبران کارآمد زیان واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در موارد ایراد خسارت از جانب دولت به شهروندان می‌توان معتقد بود که اصل بر جبران خسارت است؟ و اگر چنین اصلی پذیرفته نیست، می‌توان چنین اصلی را تأسیس کرد و دولت را مسئول دانست؟ برای تأسیس چنین اصلی برای جبران خسارت در مورد اعمال دولت به چه مبنایی می‌توان استناد کرد؟ و آیا ضوابط حاکم بر مسئولیت مدنی دولت می‌تواند تضمین‌کننده حقوق شهروندان باشد؟ به نظر می‌رسد که در موارد ایراد خسارت از جانب دولت همچون اشخاص حقوق خصوصی باید اصل را بر جبران خسارت دانست و جهت اثبات ادعای خود می‌توان به قواعد اسلامی علی‌الد و لاضرر استناد کرد. با توجه به جایگاه خاص دادرس و نقش وی در اداره جامعه، تصور مسئولیت مدنی سنگین است. برخلاف گذشته که بیشتر بر مصونیت دولت و دادرس تأکید می‌شد،

امروزه در جوامعی که دموکراسی رایج‌تر است مسئولیت دولت بیشتر طرفدار دارد. یکی از وظایف و تعهدات بین‌المللی دولت، تدارک خدمات قضایی به شهروندان و رسیدگی به دعوی در مهلت معقول است. علل ضعف دولت‌ها در این موضوع متنوع هستند. ولی می‌توان گفت اشتباه و تقصیر کارکنان دولتی مرتبط با دادرسی از مهم‌ترین آن‌ها شمرده می‌شوند.

دادرس اگر چه سرباز عدالت است، ولی اگر اخلاق دادرسی و از جمله سرعت در رسیدگی را نقض کند، مسئول است و می‌توان این سرباز را تعقیب کرد (روشن و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۷۳). بر اساس قاعده لاضرر، هیچ ضرری را نباید جبران نشده باقی گذاشت و قضات دادگستری نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در هر مورد که از عمل قاضی خسارتی به دیگری وارد شده از احراز ارکان سه گانه مسئولیت مدنی^۱ وی بر اساس قوانین موضوعه حاضر و همچنین عرف و شرع مکلف به جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. البته لازم به ذکر است که برخی از حقوقدانان با اصل جبران کامل همه خسارات به نحوی که بیان شد، موافق نبوده و بر این عقیده می‌باشند که اگر از خطاهای احترازناپذیری که ممکن است هر انسان متعارفی مرتکب آن شود خسارتی به بار آید، این خسارت جبران نخواهد شد و قواعد مسئولیت مدنی دربرگیرنده این گونه خسارات نخواهد بود.

قانونگذار در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسئولیت مدنی قاضی این گونه بیان داشته است: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر مقصر، طبق موازین اسلامی ضامن است در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». در حال حاضر ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جایگزین این اصل شده است.

۱- مسئولیت مدنی

اصطلاح مسئولیت مدنی به یک رابطه حقوقی اشاره می‌کند که به موجب آن یک طرف در برابر طرف دیگر ملزم به جبران خسارت است. بر همین اساس، در مسئولیت مدنی یک رابطه دینی ویژه بین زیان دیده و مسئول جبران خسارت به وجود می‌آید (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۳، ۳۶۰). اصطلاح مسئولیت مدنی به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. در معنای عام به هر نوع تعهدی که توسط قانون به عهده شخص برای جبران زیان

۱- فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سببیت.

وارده به دیگران قرار گرفته است، دلالت می‌کند؛ خواه ریشه آن قراردادی باشد خواه غیرقراردادی. اما معنی خاص این اصطلاح فقط به مسئولیت غیرقراردادی دلالت دارد. در حقوق ایران از این اصطلاح، معنای خاص آن یعنی مسئولیت مدنی غیرقراردادی به ذهن متبادر می‌شود (بادینی، ۱۳۹۴، ۳).

۱-۱- مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت مدنی دولت که زیر شاخه مسئولیت مدنی حقوق عمومی است، همانند آن دارای خصلت جانبدارانه است و به رابطه‌ای اشاره می‌کند که در آن مسئول جبران خسارت، دولت است؛ فارغ از این که عامل زیان همان دولت باشد یا نه. در توضیح خصلت جانبدارانه مسئولیت مدنی دولت باید بگوییم، در گذشته که نظریه مصونیت دولت اقبال بیشتری داشت، نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی دولت به گونه‌ای بود که امکان مسئول شناخته شدن دولت ناممکن یا بسیار دشوار بود، به عنوان مثال برخی از خساراتی که از ناحیه دولت به مردم وارد می‌شد، تحت پوشش حاکمیتی بودن عمل، غیرقابل جبران بود و در خسارات ناشی از اعمال تصدی نیز، بار اثبات تقصیر دولت بر عهده زیان‌دیده بود که به دلیل ضعف قدرت شهروندان نسبت به دولت، بسیار دشوار بود. اما در نظام جدید حاکم بر مسئولیت مدنی دولت، با در نظر گرفتن ضعف قدرت شهروندان نسبت به دولت و همچنین در جهت رفاه بیشتر شهروندان و برقراری عدالت اداری، نظریه مسئولیت بدون تقصیر دولت بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است که بر مبنای آن صرف ورود زیان به سبب اعمال دولت، صرف‌نظر از تقصیر یا عدم تقصیر دولت، موجب مسئولیت دولت به جبران خسارت می‌شود (نیرآبادی، ۱۳۹۸، ۱۹).

۱-۲- مسئولیت مدنی قاضی در اطلاع دادرسی

سؤال این است که چنانچه در اثر تصمیم قاضی، به شخصی خسارتی وارد گردد، چه کسی مسئول است؟ آیا باید قاضی را مسئول جبران هر گونه خسارت دانست یا این که در این مورد دولت مکلف به جبران است. بنابراین، اگر قاضی را به صورت مطلق مسئول هر گونه خسارتی بدانیم با توجه به این که قاضی نیز مانند سایر انسان‌ها جایزالخطا بوده و همچنین عوامل دیگری چون نقص دستگاه قضا، کثرت کار و... مزید بر علت می‌شود، عادلانه نمی‌باشد. از سوی دیگر، چنانچه برای قاضی مصونیت مطلق از جبران خسارت قائل باشیم، ممکن است باعث بی‌مبالائی و بی‌احتیاطی بیشتر قضات گردد. بنابراین بهترین شیوه آن است که بین اشتباه و تقصیر تفکیک قائل شویم.

ولی در خصوص مسئولیت مدنی قاضی، اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صریحا به آن اشاره کرده است. با توجه با این اصل مشخص می‌شود که قانونگذار مصونیت قضات را به طور کامل نپذیرفته و برای اولین بار به صراحت برای قضات مقصر، مسئولیت مدنی پیش بینی کرده است (سلطانی نژاد، ۱۳۷۶، ۱۵۰). در ماده‌های مختلف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به مسئولیت مدنی قاضی اشاره شده است.

در عین حال که مسئولیت مدنی جنبه نوعی و اجتماعی دارد و معیار آن رفتار متعارف و متداول افراد و جامعه است. مسئولیت مدنی قاضی را نباید و نمی‌توان با این معیار یعنی رفتار افراد متعارف جامعه سنجید، بلکه به دلیل ضرورت‌های ویژه امر قضا، رفتار قاضی خاطی می‌بایست با رفتار متعارف قضات مقایسه گردد (خانلری، ۱۴۰۱، ۲۲). اما این بدین معنا نیست که قاضی فعال مایشاء بوده و به بهانه داشتن مصونیت قضایی به هر صورتی که می‌خواهد رفتار نماید، زیرا با تصمیم نابجای قاضی، امکان تحقق زیان به جان، مال و ناموس یکی از طرفین دعوی وجود دارد، لذا باید شرایط لازم و قانونی برای کسی که مدعی است، قاضی از حدود و اختیارات خویش تجاوز نموده و از این رهگذر خسارتی را بر وی تحمیل نمود، فراهم شود تا بتواند علیه قاضی متجاوز اقدامات لازم را معمول داشته و جبران خسارات را مطالبه نماید. بنابراین، باید کوشید تا با تدوین مقررات از یک سو به استقلال قاضی و حیثیت منصب قضا و از سوی دیگر به حقوق افراد دخیل در دعوی، توجه کافی مبذول شود و هیچ یک از این دو فدای دیگری نگردد (خانلری، ۱۴۰۱، ۲۳).

۳-۱- اطلاع

از لحاظ لغوی اطلاع به معنای طول دادن چیزی، امتداد دادن و دراز کردن آمده است. با مذاقه در نوشته‌های حقوقی می‌توان گفت، اطلاع به معنای طولانی کردن زمان به کار رفته است که این امر با سرعت در رسیدگی تنافی دارد. اطلاع از نظر اصطلاحی در ادبیات حقوقی ما تعریفی برای آن گفته نشده است، واژه‌های تعویق دادرسی، تاخیر دادرسی هم برای طولانی شدن رسیدگی به کار می‌رود، با توجه به این که صرف زمان معقول و متعارف لازمه تحقق یک دادرسی عادلانه است، هر تاخیری در رسیدگی را نمی‌توان نامشروع و غیرقانونی تلقی کرد، در عرف قضایی برای مواردی که مصرف زمان و امتداد دادرسی ناشی از علل معقول و قانونی باشد، واژه تاخیر و تعویق دادرسی به کار می‌رود، ولی برای موارد

غیرقانونی، اطاله دادرسی استعمال می‌شود، به تعبیر دیگر از اطاله دادرسی مفهوم منفی استنباط می‌شود، که به معنی طول دادن کار یا امری بیش از حد و اندازه متعارف و معمول است (خانلری، ۱۴۰۱: ۱۲).

۲- مسئولیت مدنی دولت در اطاله دادرسی

مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت و مجری سیاست‌های وی در امر قضا یعنی دادرس ارتباط خاصی با هم دارند. این که مسئولیت مدنی دولت دوجانبه است یا بیشتر مورد اختلاف است. برخی معتقد به دوجانبه بودن این مسئولیت^۲ هستند و برخی با توجه به ماهیت خاص دولت و انتزاعی بودن وی، آن، را سه جانبه^۳ می‌دانند. بدین معنا که دولت مستقلاً مسئول نیست و به علت خطای انسانی یا نقض اداری یا تشکیلاتی، مسئولیت پیدا می‌کند. با توجه به مزایای اندیشه سه جانبه گرایی، ما در مورد مبانی مسئولیت مدنی دولت به جزء سوم یعنی خطای کارمندان یا ضعف تشکیلاتی در خدمت‌رسانی زودتر توجه می‌کنیم. واکاوی خطاهای انسانی در جهت تشریح بهتر مسئولیت دولت مؤثر است.

فعل یا ترک فعل دادرس به‌عنوان بازیگر اصلی در فرآیند دادرسی و سایر کارمندان وابسته به دولت ممکن است به‌صورت عمدی یا غیرعمدی در اطاله دادرسی اثرگذار باشد (روشن و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۸۰). مسئولیت مدنی دولت در اطاله دادرسی به‌صورت کامل در حقوق ما پذیرفته نشده است. اصل بر این است که هر کارمندی از دولت مرتکب اعمال اطاله‌زا در دادرسی شود که به سبب آن ضرری به دیگری وارد شود، ضامن است. به اصطلاح مسئولیت وی مبتنی بر تقصیر است. ولی در مواردی که این ضرر منتسب به اشتباه دادرس یا ناشی از ضعف تشکیلات و لوازم اداری باشد، دولت را می‌توان ضامن دانست.

تفکیک تقصیر یا اشتباه که موجب آثار مختلفی برای تعیین مسئولیت دولت و یا اجزای دولت هست، امری پیچیده است. رفتارهای اطاله‌زا ممکن است به شکل فعل یا ترک فعل باشد. رفتار دادرس در مدیریت زمان باید متعادل و در چهارچوب اصول و موازین قانونی باشد. افراط در این موضوع موجب اطاله دادرسی است. تجدید بدون دلیل جلسه رسیدگی، عدم صدور رای در مهلت هفت روز پس از ختم دادرسی، تاخیر در ابلاغ اوراق قضایی پرونده، تعویق بدون جهت دستور ثبت پرونده و یا دستورات تکمیلی در جریان رسیدگی، تکرار بدون جهت اقدام قضایی در روز رسیدگی

۲- زیان دیده و دولت.

۳- زیان دیده، دولت، کارمند یا وسایل و ابزارهای اداری.

به جهت غفلت از محتویات پرونده، ارسال پرونده به مراجع دیگر بدون تشکیلات بدل مفید برای ادامه رسیدگی و تجدید جلسات به علت عدم دسترسی به پرونده و غیبت غیرموجه در وقت رسیدگی از این مصادیق رفتار عمدی است.

در وضعیت فعلی نمی‌توان دولت را ضامن رفتار عمدی کارمندان خطا کار شمرد، پذیرش این مبنا قابل تأمل است و با واقعیت‌ها، نیازمندی‌ها و تحولات بین‌المللی ناسازگار به نظر می‌رسد. تقصیر بدین معنی است که از انسان عملی سر بزند که با رفتار انسانی متعارف^۴ منطبق نیست و آن انسان متعارف آن کار را مرتکب نمی‌شود، ولی اشتباه، ممکن است حتی از انسان‌های متعارف و لایق هم حادث شود. اشتباه را نمی‌توان تقصیر سبک‌نماید و ماهیتاً با تقصیر متفاوت است، به همین لحاظ که در نظام حقوقی ما برای اطلاع دادرسی ناشی از اشتباه کارکنان قضایی دادگستری، مسئولیت مدنی دولت پذیرفته شده است.

تقصیر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد. تقصیر قاضی بر اساس تقصیر شغلی و حرفه‌ای بررسی می‌شود. منظور از تقصیر شغلی، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آن‌ها است مرتکب می‌شوند، خطای شغلی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف هر شغل به وجود می‌آید، قاضی هم اگر از عرف شغلی و ضوابط و مقررات که در مورد قضاوت است، تخطی کند، مقصر محسوب می‌شود. چنانچه در اثر عدم تناسب و عدم کفایت وسایل و نیروی انسانی و یا در نتیجه ضعف قوانین و نقص در سازمان قضایی، وقت رسیدگی طولانی شود، این اطلاع دادرسی ناشی از رفتار دادرس نیست، چرا که اکثریت آن‌ها همچون رفتاری دارند، مسئولیت این ضعف و بی‌تدبیری منتسب به دولت است.

افزایش اشتباه‌های ناشی از افزایش نامتناسب دعاوی در یک شعبه را نمی‌توان فقط منتسب به دادرس کرد، چرا که در مقایسه با دادرسان متعارف در آن شرایط خاص، معمول بود، البته این به معنای مصونیت و معافیت نیست. در مورد تقصیر عمدی و سنگین باید کارکنان دادگستری را ضامن دانست، مقصود این است که گفته شود، دولت در اطلاع دادرسی ناشی از وضعیت مذکور مسئول است و عادلانه هم همین است، البته اگر آن ضرر را جمعی و پیش‌بینی نشده بدانیم، از دولت نیز قابل مطالبه نیست، چرا که دولت مرتکب تقصیری نشده و این ضرر به همه شهروندان بدون تبعیض وارد شده و باید تحمل نماید (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ۶۱).

۳- مسئولیت مدنی دولت در اطلاع در حقوق ایران

در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ بزه تأخیر عمدی و ناروا در دادرسی و صدور حکم جزایی جرم انگاری شده که بحث از مسئولیت کیفری مرتکب دارد. همچنین به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴ که بیانگر مسئولیت دولت است، می‌توان استناد کرد، چرا که به موجب ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون داخلی است. برخی گفته‌اند که قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی توسط ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تخصیص خورده است (سیفی، ۱۳۸۴، ۱۱). جمع این دو نص می‌تواند بهترین مبنای قانونی برای مسئولیت مدنی دادرسی ناشی از اطلاع دادرسی باشد و گفت که مسئولیت وی مبتنی بر تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۹۰) ولی کنار آن جبران خسارت افراد توسط دولت در فرض اشتباه دادرسی، مندرج در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان، نوعی مسئولیت بدون تقصیر دانست و به رغم فقدان تقصیر در اطلاع دادرسی، دولت ضامن جبران خسارت است.

۴- اهم نظریات حقوقی در باب مسئولیت مدنی

مهم‌ترین نظریه‌های مبنایی که در خصوص تحقق مسئولیت وجود دارد، عبارتند از تقصیر، خطر، تضمین حق، برابری در قبال قانون و نفع دولت. مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر صرفاً در صورتی قابل طرح و انتساب است که واردکننده خسارت در انجام عمل خسارت بار و زیان آور، مرتکب تقصیری شده باشد. ملاک در این مسئولیت، سنجش اخلاقی رفتار مباشر خسارت است، که اگر از نظر اجتماع، انحراف و تجاوز از رفتاری باشد که برای حفظ حقوق دیگران لازم است، وی ملزم به ترمیم خسارت است و اگر از نظر اخلاقی رفتار وی عاری از سرزنش باشد، ضمانتی بر عهده او نیست. بر طبق نظریه تقصیر تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر وارده است. اما امروزه چنین عقیده‌ای مقبول نیست.

نظریه دوم که منتقدان مهمی نیز دارد به نظریه خطر موسوم است. بر این مبنا، خواننده دعوی حتی بدون تقصیر و رفتار قابل سرزنش، مسئول است. به عبارت دیگر، برای مسئول دانستن شخص نیازی نیست که او در انجام عمل خسارت بار حتماً مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همین که از عمل خطرآفرین او،

خسارتی به بار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیری شده یا نشده باشد، مسئول است و باید خسارت وارده را جبران کند.

اما نظریه سوم گویای آن است که عده‌ای با قرار دادن کار نامتعارف به عنوان مبنای مسئولیت، سعی کرده اند، نظریه‌های تقصیر و خطر را تعدیل کنند. در واقع، کار نامتعارف ضمن این که به شدت و غلظت تقصیر نیست، نوعی بی‌مبالائی است و گامی در جهت نظریه ایجاد خطر و نظریه‌ای بینابین و مختلط است. نظریه بعد، تحت عنوان نظریه تضمین حق، نخستین بار به وسیله «بوریس استارک» در رساله وی با عنوان نظریه عمومی مسئولیت مدنی از جنبه کارکرد دوگانه تضمین و کیفر خصوصی مطرح شد. وی معتقد بود که باید از جنبه زیان‌دیده به مسئله مسئولیت مدنی پرداخت و نظریه‌های خطر و تقصیر را به واسطه آن که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را تنها از جنبه واردکننده زیان مورد توجه قرار می‌دادند، تا حدی آن را شخصی می‌دانست. در نظریه مذکور، علم دولت به ناتوانی کارکنان خود در جبران خسارت‌های وارد شده و حمایت از حقوق زیان‌دیده، جبران خسارت وارده از سوی مأمورین دولتی را به عهده وی قرار می‌دهد. بعضی از اندیشمندان پذیرش مسئولیت توسط دولت از جانب مأمورین خود را در حکم کفالت قانونی می‌دانند و معتقدند که ضمانت رابطه‌ای است که باعث انتقال مسئولیت از مقام عمومی به دولت می‌شود.

نظریه بعد، نظریه برابری در مقابل قانون است. وقتی دولت در مقام انجام وظایف یا به صورت خطای اداری یا به صورت خطای کارمند، خسارتی به شخص وارد کرد، اگر خود شخص زیان‌دیده بخواهد به تنهایی بار جبران این خسارت را به دوش بکشد، نابرابری در اجرای قانون رخ خواهد داد و چنین فردی با موقعیت یکسان با دیگران باید تکلیف فراتر از دیگران را انجام دهد. پس لازم است که زیان وارده بر افراد حتی در حالت عدم ارتکاب تقصیر هم بدون اصلاح باقی نماند.

۵- مبنای نظری التزام دولت به جبران خسارت

لازم است ابتدا به اصل فقهی (لاضرر و اصل لزوم جبران خسارت) اشاره کرد. عبارت لاضرر و لاضرار که ناشی از یک حدیث مشهور نبوی است، دلالت بر نفی هر گونه ضرر در اسلام دارد. قاعده لاضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هر گونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است. بر این اساس است که قاعده دوم یعنی

اصل لزوم جبران خسارت معنا پیدا می‌کند. بر این مبنا، هر کس که به هر نحو اعم از قولی، فعلی، ترک فعل یا به جهت سببیت یا مباشرت به دیگری، هر گونه ضرری اعم از مادی یا معنوی وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل یا ترک عمل خویش است، خواه این عمل، ناشی از اقدام اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی باشد و خواه این شخص یک نهاد تابع حقوق خصوصی باشد یا تابع نهاد حقوق عمومی.

۶- حدود مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت مدنی به معنی اخص آن به ضرر و زیان‌هایی اطلاق می‌شود که خارج از قراردادی که بین طرفین است به کسی وارد شود. مسئولیت مدنی نوعی ضمان قهری است. برخلاف گذشته که معتقد به مصونیت دولت نسبت به ضررها و خسارات وارده از طرف او به دیگران بودند، امروزه مسئولیت مدنی دولت امری پذیرفته شده است. طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها اگر در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارات هستند. این ماده در مورد مسئولیت شخصی مستخدمین است و خود آن‌ها مسئول جبران زیان‌های وارده می‌باشند.

۱-۶- خطای اداری دولت

مسئولیت مدنی دولت وقتی تحقق می‌یابد که خسارات وارده مستند و مربوط به عمل کارمندان نبوده، بلکه مربوط به نقص وسایل اداره باشد که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ آمده است. منظور از نقص وسایل اداره، مجهز نبودن اداره به وسایل، تدابیر و روش‌های صحیح مدیریت، برای انجام کارهای اداری است، طوری که موجب بی‌نظمی در سازمان و در نتیجه موجب ایجاد ضرر و زیان می‌شود.

۲-۶- انواع خطاهای اداری دولت

عدم انجام وظایف اداری: یعنی این که ضررهای وارده به علت قصور و کوتاهی اداره باشد؛ مثل عدم نصب علائم خطر در جاده که موجب خسارت عابرین شود. مطلوب نبودن انجام وظایف اداری: یعنی اگر چه اداره وظایفش را انجام داده ولی به طور ناقص بوده است؛ مثل خرابی یا اختلال در چراغ راهنمایی که موجب خسارت شود. تأخیر در انجام وظایف اداری: در این صورت نیز وظیفه را انجام می‌دهد ولی با تأخیر، مثل تأخیر در تحویل مراسلات.

۷- مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت در اسلام

نظام حقوق اسلام دارای قواعد و اصولی است که فقها در کتاب‌های خود به تشریح آن‌ها پرداخته‌اند و به هنگام نیاز جهت حل مشکلات به یاری حکومت اسلامی می‌آیند.

اول- قاعده علی‌الید: به موجب این قاعده کسی که مال دیگری را تصرف می‌کند در مقابل مالک ضامن است و تا زمانی که عین مال وجود دارد ملزم به بازگرداندن آن است و اگر مال ناقص یا تلف شود باید خسارات وارده را جبران نماید. بنابراین، تعرض به حقوق مالکانه اشخاص چه از جانب اشخاص حقوق خصوصی باشد و چه از جانب اشخاص حقوق عمومی، مجاز نبوده و موجب مسئولیت است.

دوم- قاعده حرمت مال مسلم: این قاعده به این معنا است که همان طور که جان و جسم اشخاص باید مصون از تعرض باشد، اموال اشخاص هم باید مصون از تعرض و تصرف باشد و لذا هر گونه تجاوزی به حقوق اشخاص مجاز نبوده و در صورت تجاوز، فرد متجاوز مسئول است.

سوم- قاعده لاضرر: از یک سو قانونگذار می‌تواند با توجه به این قاعده بعضی حقوق اشخاص را جهت جلوگیری از ورود زیان به دیگران محدود کند. چنانچه در اصل چهل ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت تأثیر این قاعده بیان شده است که هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و از سوی دیگر این قاعده چنین حکمی را اثبات می‌کند که هر ضرری باید جبران شود. لذا اگر دولت در اجرای وظایف و برنامه‌های خود ناگزیر از ضرر زدن به دیگران است و از این قاعده به نفع خود استفاده می‌کند، زیان‌دیده هم حق مطالبه خسارت را بر اساس همین قاعده دارد و این قاعده در واقع به کمک هر دو طرف می‌آید.

چهارم- قاعده اتلاف و تسبیب: قاعده اتلاف بیان می‌کند که اگر کسی مال دیگری را تلف کند مسئول است و طبق قاعده تسبیب هم هر کسی که سبب اتلاف مال دیگری شود، مسئول است.

۸- مبانی مسئولیت مدنی نهادهای عمومی

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، دولت را به طور مطلق مسئول قرار داده که شامل تمام مؤسسات و سازمان‌های دولتی و محلی؛ یعنی شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن می‌شود. در حقوق اداری، اعمال و اقدامات دولت یا به لحاظ تصدی‌گری است که شامل امور خدماتی و فرهنگی می‌باشد و دولت متصدی امور می‌شود که می‌تواند حتی از طریق اشخاص حقوق خصوصی نیز اعمال شود و یا به

لحاظ حاکمیتی است که دولت در آن حاکم و قدرت مطلق است و این اعمال نمی‌تواند توسط اشخاص اعمال شود.

مسئولیت مدنی دولت به طور مطلق نمی‌باشد، بلکه این مسئولیت در مورد خساراتی است که ناشی از اعمال تصدی‌گری دولت است که در آن نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود؛ مثل خرید و فروش و... که دولت آن‌ها را به‌عنوان این که دارای شخصیت حقوقی و مسئول حفظ دارائی و منافع و اموال عمومی است انجام می‌دهد. در مورد اعمال تصدی‌گری، دولت مسئول خساراتی است که به افراد وارد می‌کند و در این قبیل اعمال، دلیلی بر سلب مسئولیت دولت وجود ندارد، اگر چه نظریه ذکر شده امروزه قابل انتقاد می‌باشد و نظریه مسئولیت مطلق دولت به جز مواردی که قانونگذار تصریح کرده است مقبولیت بیشتری دارد؛ ولی در مورد اعمال حاکمیتی، دولت مسئول خسارات وارده نمی‌باشد. قانونگذار ما نظریه عدم مسئولیت دولت در اقدامات حاکمیتی را پذیرفته است. در واقع، در این مرحله بحث تعارض منافع عمومی با منافع خصوصی افراد است که در بیشتر موارد، منافع خصوصی افراد به علت اهمیت منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود. اصولاً مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر و تقصیر دولت نیز در مورد اعمال تصدی‌گری که موجب خسارات شده باید اثبات شود.

مسئولیت، الزامی است که در پی تضییع حق یا ناممکن شدن بهره‌مندی از آن، بر عهده دولت قرار می‌گیرد. مسئولیت در برابر مصونیت قرار دارد و مصونیت استثنایی است بر الزام. لذا مسئولیت نشان‌دهنده نبود معافیت و مصونیت برای دولت می‌باشد و اصولاً ایجاد زیان و انتساب آن به دولت، باعث تکلیف دولت به پرداخت خسارت می‌شود. مدنی بودن هم بر وجه غیراداری، غیرسیاسی و غیرکیفری بودن این تکلیف دولت دلالت دارد (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰). با مطالعه قوانین حاکم بر حقوق عمومی در نظام‌های مختلف حقوقی به این نتیجه خواهیم رسید، تمایل اصلی و غالب قانونگذاران، جبران خسارت افراد است. بنابراین مصونیت کامل دولت اصالت ندارد (نقیب شهر بابکی و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۰۱).

نتیجه

سیستم دادرسی مطلوب آن است که در کوتاه‌ترین زمان به جریان یک دعوی با رعایت تمامی اصول و قواعد آیین دادرسی رسیدگی شده و رای نهایی صادر و بدون فوت وقت اجرا گردد. مسئولیت مدنی دولت در اطاله دادرسی به‌صورت کامل در حقوق ما پذیرفته نشده است. اصل بر این است که هر

کارمندی از دولت مرتکب اعمال اطلاع‌ها در دادرسی شود که به سبب آن ضرری به دیگری وارد شود، ضامن است. به اصطلاح مسئولیت وی مبتنی بر تقصیر است. ولی در مواردی که این ضرر منتسب به اشتباه دادرس یا ناشی از ضعف تشکیلات و لوازم اداری باشد، دولت را می‌توان ضامن دانست.

اطاله دادرسی چه به نحو عمدی یا غیرعمدی چنانچه موجب بروز خساراتی به اشخاص گردد، موجب مسئولیت مدنی قاضی و یا دولت خواهد بود. به عنوان مثال، قاضی پس از قرار قبولی وثیقه و بازداشت ملک با صدور دستورهای غیرضروری موجب اطلاع دادرسی و تضییع وثیقه گذار شود و یا متهمی به لحاظ عجز از معرفی تأمین مناسب (کفالت یا وثیقه) در بازداشت باشد و به لحاظ اطلاع دادرسی مدت‌های زیادی را در بازداشت بماند که در این موارد باید قاضی را مسئول دانست. البته رسیدگی به دعوی در برخی مواقع تشریفاتی هم دارد که اجتناب‌ناپذیر است، از قبیل استماع شهادت شهود و رسیدگی به وسیله کارشناسی در امور فنی و امثال آن که از لوازم قضاوت عادلانه صحیح می‌باشد. بنابراین، اگر رسیدگی با حذف این تشریفات باشد، قضاوت صحیح نخواهد بود.

داشتن یک سیستم دادرسی دقیق و همه جانبه در گرو داشتن قوانین مدون، جامع و منسجم و زوال خلاءهای قانونی و داشتن قضاوت مجرب است و تقویت این امور، تنها راه رسیدن به سیستم دادرسی مطلوب و ایده آل است. رفتارهای اطلاع‌ها را ممکن است به شکل فعل یا ترک فعل باشد. رفتار دادرس در مدیریت زمان باید متعادل و در چهارچوب اصول و موازین قانونی باشد. افراط در این موضوع موجب اطلاع دادرسی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- احمدی، میثم؛ سارانی عاشوری، امین؛ حیدری، مرتضی؛ باب الفتح، الهه، ۱۴۰۲، مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات ناشی از تاخیر رسیدگی در نظام حقوقی ایران، **هشتمین کنفرانس بین‌المللی و**

ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، تهران.

- انتظاری، علیرضا و محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۱، نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی زیست

محیطی، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۸۹

- امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش، ۱۳۹۳، حقوق اداری، تهران، انتشارات میزان.

- بادینی، حسن، ۱۳۹۴، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- بیژن حاجی عزیزی، ۱۳۸۰، روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دوماهنامه دانشور پزشکی، شماره ۳۶.

- خانلری، مهدی، ۱۴۰۱، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اطاله دادرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی فروردین.

- روشن، محمد و دهقانی فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۳، مسئولیت مدنی دولت در اطاله دادرسی، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۳.

- سلطانی نژاد، هدایت الله، ۱۳۷۶، بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و سیستم‌های حقوقی بیگانه، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۱.

- سیفی، سیدجمال، ۱۳۸۴، رای پرونده موسوم به هموفیلی‌ها نگاهی نو به مسئولیت مدنی دولت در روبه قضایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوق، شماره ۸.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، الزام‌های خارج از قرار داد، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- نقیب شهر بابکی، آسیه؛ خویی، غفور؛ تنگستانی، محمدقاسم، ۱۴۰۱، اصل جبران خسارت در مورد اعمال دولت، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۱.

- نیرآبادی، بهزاد، ۱۳۹۸، تحولات مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از اعمال قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

لاتین

- Slapper, Gray and Kellay, David, 2006, The English legal system, six editions, Routledge day Cavendish.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the

Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two

Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com